



تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰

*مریم حسن پور

*احمدی طایفه

حضرت مریم سلام الله علیها در قرآن کریم و اناجیل

چکیده

مریم مقدس (سلام الله علیها) یا توتوکوس، یک زن یهودی در سده‌ی یک میلادی بود که مطابق عهد جدید و نیز قرآن، حضرت عیسی (علیه السلام) از او زاده شده است. به سبب ویژگی‌های منحصر به فرد داستان زندگی حضرت مریم (سلام الله علیها) و نیز نقش ویژه ایشان به عنوان مادر یکی از انبیاء اولوالعزم، علما و اندیشمندان اسلامی، زندگی حضرت مریم (سلام الله علیها) را مورد بررسی قرار داده‌اند.

افزون بر علماء مسلمان، در تفکر مسیحی، کاتولیک‌ها برای مریم (سلام الله علیها) به عنوان مادر خدا، جایگاهی والا قائل هستند اما پروتستان‌ها نقش او را در مسیحیت پررنگ نمی‌دانند. با توجه به اهمیت داستان حضرت مریم (سلام الله علیها)، در این نوشتار تلاش شده است با بررسی این داستان در قرآن کریم و اناجیل اربعه وجوه اشتراک و افتراق این کتب آسمانی در ترسیم این داستان مورد بازخوانی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، انجیل، حضرت مریم (سلام الله علیها)، تقدس.

* دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خراسان

* دکتر مریم احمدی طایفه، استاد راهنما



طرح بحث

حضرت مریم(سلام الله علیها) در اسلام و در مسیحیت از جایگاهی مقدس و ویژه برخوردار است. قرآن کریم مریم(سلام الله علیها) مادر عیسی (علیه السلام) را بانویی پاکدامن و برگزیده از میان زنان خوانده و او را الگوی مؤمنان قرار داده است.

از آیات قرآن برمی آید که فرشتگان چند بار با مریم(سلام الله علیها) سخن گفته اند تنها زنی که نام او در قرآن آمده، مریم است همچنین قرآن کریم پرورش مریم را به خدا نسبت داده است.

«خدا او را به نیکویی پذیرفت و او را نیکو پرورش داد... هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آنجا می دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده ای؟! گفت: این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می دهد. (سوره آل عمران، آیه ۳۷) در روایات شیعه و اهل سنت نام مریم(علیها السلام) در کنار فاطمه ی زهرا، خدیجه و آسیه به عنوان چهار زن برتر بهشتی ذکر شده است. (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۷۸)

حضرت مریم(علیها السلام) در الهیات مسیحی نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار است تا بدانجا که شاخه ای از الهیات به بررسی شخصیت و جایگاه حضرت مریم(علیها السلام) می پردازد.

توجه به حضرت مریم(علیها السلام)، در قرون وسطی اهمیت یافت. در این دوره مقامی برای حضرت مریم(علیها السلام) مطرح گردید که از حد الوهیت پایین تر اما از مرتبه فرشتگان و مقدسان بالاتر بود. باور عمومی در این دوره آن بود که فرشتگان و مقدسان، خدمتگزاران حضرت مریم(علیها السلام) هستند. (مونتگمری وات، ویلیام، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ترجمه محمدحسین آریا، ص ۳۹)



در این نوشتار سرنوشت این بانوی بزرگوار در انجیل و قرآن مورد بررسی قرار گرفته است.

الف. تولد عیسی مسیح (علیه السلام)

واقعه‌ی تولد عیسی مسیح (علیه السلام) به این شرح است:

مریم (علیها السلام)، مادر عیسی که در عقد یوسف بود، قبل از ازدواج با او، به وسیله روح القدس آبستن شد. یوسف که سخت پایبند اصول اخلاق بود، بر آن شد که نامزدی خود را بر هم بزند، اما در نظر داشت این کار را در خفا انجام دهد تا مبادا مریم (علیها السلام) بی‌آبرو شود.

او غرق در این‌گونه افکار بود که به خواب رفت. در خواب فرشته‌ای را دید که به او گفت یوسف، پسر داوود، از ازدواج با مریم (علیها السلام) نگران نباش؛ کودکی که در رحم اوست، از روح القدس است. او پسری خواهد زایید و تو نام او را عیسی (یعنی نجات‌دهنده) خواهی نهاد؛ چون او قوم خود را از گناهشان خواهد رهانید و این همان پیغامی است که خداوند قرن‌ها قبل به زبان نبی خود (اشعیا) فرموده بود که: بنگرید! دختری باکره آبستن خواهد شد و پسری به دنیا خواهد آورد، او را عمانوئیل خواهند نامید. (عمانوئیل به زبان عبری، به معنی خدا با ما است).

چون یوسف بیدار شد، طبق دستور فرشته عمل کرد و مریم (علیها السلام) را به خانه‌اش آورد تا همسر او باشد؛ اما با او هم‌بستر نشد تا وقتی که پسرش را به دنیا آورد و یوسف او را «عیسی» نام نهاد.

به نظر می‌رسد مسیحیان برای این که تولد عیسی (علیه السلام) را به ذهن عموم مردم نزدیک نمایند، چنین داستانی را بیان می‌کنند و شاید برای خود نویسنده هم امور ماورایی جا نیفتاده است.



۱. سرگذشت عیسی مسیح (سلام الله علیه) نوشته لوقا

در ششمین ماه بارداری الیزابت، همسر زکریای نبی، خدا فرشته ی خود جبرائیل را به ناصره، یکی از شهرهای استان جلیل فرستاد تا وحی او را به دختری به نام مریم (علیها السلام) برساند. مریم (علیها السلام) نامزدی داشت به نام یوسف، از نسل داوود پادشاه.

جبرئیل به مریم (علیها السلام) ظاهر شد و گفت: «سلام بر تو ای دختری که مورد لطف پروردگار قرار گرفته‌ای! خداوند با توست.»

مریم (علیها السلام) سخت پریشان و متحیر شد، چون نمی توانست بفهمد منظور فرشته از این سخنان چیست. فرشته به او گفت:

«ای مریم نترس! زیرا خدا بر تو نظر لطف انداخته است. تو به زودی باردار شده، پسری به دنیا خواهی آورد و نامش را عیسی خواهی نهاد. او مردی بزرگ خواهد بود و پسر خدا نامیده خواهد شد و خداوند تخت سلطنت جدش داوود را به او واگذار خواهد کرد تا برای همیشه بر قوم اسرائیل سلطنت کند. سلطنت او هرگز پایان نخواهد یافت.»

مریم (علیها السلام) از فرشته پرسید:

اما چگونه چنین چیزی امکان دارد؟ دست هیچ مردی هرگز به من نرسیده است! فرشته جواب داد: روح القدس بر تو نازل خواهد شد و قدرت خدا بر تو سایه خواهد افکند. از این رو آن نوزاد مقدس بوده، فرزند خدا خوانده خواهد شد.

بدان که خویشاوند تو الیزابت نیز شش ماه پیش، در سن پیری، باردار شده و به زودی پسری به دنیا خواهد آورد. بله همان کسی که همه او را نازا می خواندند؛ زیرا برای خدا هیچ کاری محال نیست.

مریم (علیها السلام) گفت: من خدمتکار خداوند هستم و هر چه او بخواهد، با کمال میل انجام می دهم. از خدا می خواهم که هر چه گفتم، همان بشود. آنگاه فرشته ناپدید شد.



پس از چند روز، مریم(سلام الله علیها) تدارک سفر دید و شتابان نزد الیزابت رفت که با همسرش زکریا(علیه السلام)، در یکی از شهرهای واقع در منطقه کوهستانی یهودیه زندگی می کرد. به محض این که صدای مریم(سلام الله علیها) به گوش الیزابت رسید، بچه در رحم او به حرکت درآمد، الیزابت از روح القدس پر شد (به نظر می رسد در این جا قسمت اوج تحریف کتاب مقدس به چشم می خورد) و با صدای بلند به مریم(سلام الله علیها) گفت: خدا تو را بیش از همه ی زنان دیگر مورد لطف خود قرار داده است! فرزندت نیز سرچشمه برکات برای انسان ها خواهد بود.

چه افتخار بزرگی است برای من که مادر خداوندم به دیدنم بیاید! وقتی وارد شدی و به من سلام کردی، به محض این که صدایت را شنیدم، بچه از شادی در رحم من به حرکت درآمد. خوشا به حال تو! زیرا ایمان آوردی که هر چه خدا به تو گفته است، به انجام خواهد رسید!

مریم(سلام الله علیها) گفت: خداوند را با تمام وجود ستایش می کنم و روح من به سبب نجات دهنده ام خدا، شاد و مسرور می گردد! چون او من ناچیز را مورد عنایت قرار داده است! از این پس همه نسل ها، مرا خوشبخت خواهند نامید؛ زیرا خدای قادر و قدوس در حق من کارهایی بس بزرگ کرده است. لطف و رحمت او، پشت اندر پشت شامل حال آنانی می شود که از او می ترسند. (سرگذشت عیسی مسیح، نوشته لوقا)

کتاب مقدس برای عیسی(علیه السلام) برادرانی ذکر می کند که مادرشان مریم(سلام الله علیها) بوده است؛ بنابراین کتاب مقدس دلالت دارد که بعد از تولد عیسی(علیه السلام)، زندگی مریم(سلام الله علیها) و یوسف ادامه داشته و حتی فرزندان از این زندگی به وجود آمده است. (پس برادران و مادر او آمدند و بیرون ایستاده، فرستادند تا او را طلب کنند.) (مرقس، ۳:۳۱)

البته این برادران از مؤمنان واقعی به عیسی(سلام الله علیه) نبودند و کمی نگاه منفی به این ها وجود دارد؛ زیرا برادرانش به او ایمان نیاورده بودند. (یوحنا، ۷:۵)



البته در این جا از سیاق آیات قرآن به خصوص «وَلَمْ يَمَسَّ نَبِيٌّ بَشَرًا» (آل عمران، ۴۷) بر می آید که در زمان حامله شدن به عیسی (سلام الله علیه)، او با کسی نامزد نبوده است. اکثر مسیحیان کاتولیک و ... نیز مانند مسلمانان معتقد هستند که مریم مقدس (علیها السلام) تا پایان عمرش باکره ماند و هیچ نوع رابطه جنسی، حتی بعد از تولد عیسی (سلام الله علیه) با یوسف نداشت، با این که در قسمت هایی در انجیل از برادران عیسی (علیه السلام) صحبت شده که در انجیل به معنای برادران تنی عیسی (سلام الله علیه) نیست. اوایل برخی از مسیحیان پروتستان، مریم مقدس (علیها السلام) را بسیار تکریم می کردند و حتی مارتین لوتر نوشت: مریم (علیها السلام) پر از فیض و کاملاً بدون گناه بود. ولی از سال ۱۵۳۲، مارتین لوتر کم کم از حمایت جشن های مربوط به مریم مقدس (علیها السلام) خودداری کرد.

طبق اعتقاد بیشتر مسیحیان، از جمله کاتولیک ها، قسمت مکاشفه یوحنا در انجیل مقدس فصل ۱۲ که در مورد زن و اژدها صحبت می کند، زن در این بخش، مریم مقدس (علیها السلام) و اژدها، شیطان است. بچه ای که در این فصل در مکاشفه یوحنا از آن صحبت می شود، عیسی مسیح (علیه السلام) است. در زیر پای اکثر مجسمه های مریم مقدس (علیها السلام)، یک مار به چشم می خورد که معنی غلبه بر شیطان است.

اکثر مسیحیان معتقد هستند که در انجیل مقدس، عصر پیدایش، فصل ۳، آیه ۱۵، مریم مقدس (علیها السلام) به عنوان زنی معرفی شده است که اولاد او (عیسی مسیح) سر شیطان را خواهد کوبید.

۲. سرنوشت مریم (سلام الله علیها) در انجیل

بعضی معتقد هستند که مریم (علیها السلام) پس از تولد عیسی (علیه السلام)، زندگی عادی



داشت و حواریون عیسی در خدمت مریم(علیهاالسلام) بودند. همچنین این دسته معتقد هستند مریم(علیهاالسلام) در سن ۶۳ سالگی درگذشته است. (سپهر، ناسخ التواریخ، جلد حضرت عیسی، ص ۷، ۱۱۳)

چندین شاخه مسیحیت از جمله کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها معتقدند که مریم(علیهاالسلام) به آسمان صعود کرده است. البته نظریه صعود مریم(علیهاالسلام) به آسمان را در انجیل نیاورده‌اند، بلکه از نظریات کلیسایی می‌باشد.

۳. حضرت مریم(سلام الله علیها) در قرآن

مریم(علیهاالسلام) فرزند عمران بن ماثان بن سلیمان بن داوود بن ایشا بن یهود ابن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم خلیل(علیه السلام) می‌باشد. عمران پدر مریم(سلام الله علیها) غیر از عمران پدر حضرت موسی(علیه السلام) می‌باشد؛ چون نسب عمران پدر موسی، عمران بن یصهر بن فاهث بن لاوی بن یعقوب بن ابراهیم(علیه السلام) می‌باشد. (برزنجی، ص ۴۶۶)

حضرت زکریا(علیه السلام) شوهر خاله حضرت مریم (علیهاالسلام) بود و در دوران کودکی اش کفالت و سرپرستی او را به عهده گرفت. شایان ذکر است که در انجیل سخنی از کودکی حضرت مریم(علیهاالسلام) نیامده است.

در قرآن مجید جز حضرت مریم(علیهاالسلام) نام هیچ زنی برده نشده است (موسوی همدانی، ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۵۷۸) و نام او ۳۴ بار در کلام الله مجید ذکر شده است که البته در غالب موارد به هنگام نام بردن عیسی(علیه السلام) به نام عیسی بن مریم می‌باشد.

جریان ولادت حضرت مریم(سلام الله علیها) در قرآن چنین آمده است:

«إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (آل عمران / ۳۵)

یاد کن زمانی را که زن عمران گفت: پروردگارا! به درستی که من نذر کردم برای تو که



این طفلی که در شکم دارم، محرر (خادم بیت المقدس) باشد. پس از من قبول فرما؛ تو سمیعی و عالمی به آنچه نذر کردم و قرارداد نمودم.

محرر به معنی حر یعنی آزاد، اشاره به این که هیچ شغلی نداشته باشد و ممحض بر عبادت باشد، در مسجد که بیت المقدس است و تنظیفات مسجد بر عهده او باشد. (طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۷۸)

به نظر علامه طباطبایی، نام گذاری مریم (سلام الله علیها) نیز خود به خاطر نذر مادر او بوده است:

کلمه «مریم» در لغت آن شهر، طوری که گفته اند به معنای زن عابد و نیز زن خدمتکار است. از همین جا معلوم می شود که چرا این مادر، دختر خود را بلافاصله بعد از وضع حمل مریم نامید.

چرا خدای تعالی این عمل او را حکایت کرد، خواست تا بعد از ناامیدی از زاییدن پسری که محرر برای عبادت و خدمت باشد، بلادرنگ همین دختر را برای این کار محرر کند. پس این که گفت: «سمیتها مریم» به منزله این است که گفته باشد: و من این دختر را برای تو محرر زاییدم. دلیل بر این که جمله نامبرده به منزله صیغه نذر است، این است که خدای سبحان به دنبالش این نذر را قبول نموده و می فرماید:

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا﴾ (آل عمران / ۳۷)

و این که بعد از گفتن آن سخن اضافه کرد که من او و ذریه او را از شر شیطان رانده شده، به خدا پناه می دهم، برای این بود که او و ذریه اش موفق به عبادت و خدمت کنیسه بشوند تا اسم مریم، مطابق با مسمی باشد. (موسوی همدانی، ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۵۷۹)

در تفسیر قمی (علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۱) در ذیل آیه «إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ



از امام صادق(علیه السلام) روایت آمده است که فرمود:

خدای تعالی به عمران وحی کرد که من فرزندی به تو خواهم بخشید، پسری تام الخلقه و پربرکت که افراد کور مادرزاد و مبتلا به مرض برص را شفا می‌دهد و به اذن خدا، مردگان را زنده می‌کند. او را رسولی برای بنی اسرائیل قرار می‌دهم.

عمران این جریان را با همسرش حنه در میان گذاشت و حنه همان مادر مریم است. همین که مریم(علیها السلام) را حامله شد، پیش خود خیال کرد که حملش پسر است و وقتی آن را دختر زایید، عرضه داشت: پروردگارا! من او را دختر آوردم و معلوم است که پسر، چون دختر نیست و دختر نمی‌تواند پیامبر شود.

خدای تعالی در پاسخش می‌فرماید:

خدا بهتر می‌داند که حنه چه زاییده و بعد از آن که حضرت عیسی(علیه السلام) را به مریم(علیها السلام) داد، معلوم شد آن پسری که مژده‌اش را به عمران داده بودند، عیسی(علیه السلام) بوده است. (موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه المیزان، ج ۳، ص ۲۸۶)

از امام باقر(علیه السلام) روایت است که چون مادر مریم(علیها السلام) او را زاییده، در خرقه‌ای او را پیچید و آورد در بیت المقدس و شرح نذر خود را بر آن‌ها بیان کرد. آن‌ها هر کدام طالب شدند که تکفل او را بنمایند، چون پدر مریم(علیها السلام) که عمران باشد، مقام ریاستی بر آن‌ها داشت. حضرت زکریا(علیه السلام) فرمود:

«من سزاوارترم به تکفل او؛ زیرا خاله‌اش در منزل من است؛ راضی نشدند، بنا بر قرعه شد و قرعه به نام زکریادرآمد.» (طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۸۲)

هر چه بر سن مریم(علیها السلام) افزوده می‌شد، آثار عظمت و جلال در وی نمایان تر می‌گشت و به جایی می‌رسید که قرآن در ادامه آیه می‌فرماید (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج



۲، ص ۵۲۹) هر زمان زکریا(علیه السلام) وارد محراب او می شد، غذای جالب و خاصی نزد او می یافت:

«كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا»

زکریا(علیه السلام) از روی تعجب و روزی به او گفت: این غذا را از کجا آوردی؟

«قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنِّي لَكَ هَذَا»

مریم(علیه السلام) در جواب گفت: این از طرف خداست و اوست که هر کس را بخواهد، بی حساب روزی می دهد:

«قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران / ۳۷)

از روایات متعدد استفاده می شود که آن غذا یک نوع میوه بهشتی بوده که در غیر فصل، در کنار محراب مریم(علیه السلام) به فرمان پروردگار حاضر می شده است و این موضوع جای تعجب نیست که خدا از بنده پرهیزگارش این چنین پذیرایی کند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۳۰-۵۲۹)

در ابتدای آیه و انتهای بحث ما اشاره می کنیم که حضرت مریم(علیه السلام) از نظر ظاهری و جسمی، رشد کامل و خوبی داشت: «وَأُتْبِتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا»

مادری همانند مریم(سلام الله علیها)، محل تربیتی مثل مسجد و سرپرستی همچون زکریای پیامبر و با تغذیه ای بهشتی، محصولش فرزندی چون عیسی(علیه السلام) می شود. (قرآنی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۵۵)

پس عوامل مؤثر در تربیت عبارت اند از:

روح پاک مادر: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ»

جسم سالم: «نَبَاتًا حَسَنًا»



تعلیم و تربیت الهی: «كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا»

تغذیه‌ی پاک: «وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا»

۴. عبادت زاهدانه و متواضعانه حضرت مریم

«وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا» (مریم / ۱۶)

بگو آن گاه که از خانواده خود جدا شده و در یک منطقه شرقی قرار گرفت، او در حقیقت می‌خواست مکانی خالی و فارغ از هرگونه دغدغه پیدا کند که به راز و نیاز با خدای خود بپردازد و چیزی او را از یاد محبوب غافل نکند و به همین جهت طرف بیت المقدس (آن معبد بزرگ) را که شاید محلی آرام‌تر و یا از نظر تابش آفتاب پاک‌تر و مناسب‌تر بود، برگزید.

در این هنگام مریم (سلام الله علیها) حجابی میان خود و دیگران افکند تا خلوتگاه او از هر نظر کامل شود: «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا» (مریم / ۱۷)

از این قسمت آیه به بعد، به پاک‌دامنی و عقیف بودن حضرت مریم (سلام الله علیها) اشاره می‌کند: «فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (مریم / ۱۷)

در این هنگام ما روح خود (یکی از فرشتگان بزرگ) را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسان کامل بی‌عیب و نقص و خوش‌قیافه‌ای بر مریم (سلام الله علیها) ظاهر شد. پیداست که در این موقع چه حالتی به مریم (سلام الله علیها) دست می‌دهد؛ مریمی که همواره پاک‌دامن زیسته، در دامان پاکان پرورش یافته و در میان جمعیت مردم ضرب‌المثل عفت و تقوا است.

از دیدن چنین منظره‌ای که مرد بیگانه زیبایی به خلوتگاه او راه یافته، چه ترس و



وحشتی به او دست می‌دهد. لذا بلافاصله صدا زد:

«من به خدای رحمان از تو پناه می‌برم، اگر پرهیزگار هستی

«قَالَتُ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (مریم / ۱۸)

و این نخستین لرزه‌ای بود که سراسر وجود مریم (سلام الله علیها) را فرا گرفت.

بردن نام خدای رحمان، توصیف او به رحمت عامه‌اش از یک سو و تشویق او به تقوا و پرهیزگاری از سوی دیگر، همه برای آن بود که اگر آن شخص ناشناس قصد سوئی دارد، او را کنترل کند و از همه بالاتر، پناه بردن به خدا، خدایی که در سخت‌ترین حالات، تکیه‌گاه انسان است و هیچ قدرتی در مقابل قدرت او عرض اندام نمی‌کند، مشکلات را حل خواهد کرد.

مریم (سلام الله علیها) با گفتن این سخن در انتظار عکس‌العمل آن مرد ناشناس بود، انتظاری آمیخته با وحشت و نگرانی بسیار؛ اما این حالت دیری نپایید. ناشناس زبان به سخن گشوده و مأموریت و رسالت عظیم خویش را چنین بیان کرد و گفت: من فرستاده پروردگار توام:

«قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ» (مریم / ۱۹)

این جمله همچون آبی که بر آتش بریزد، به قلب پاک مریم (سلام الله علیها) آرامش بخشید. ولی این آرامش نیز چندان طولانی نشد، چرا که بلافاصله افزود: من آمده‌ام تا پسر پاکیزه‌ای از نظر خلق و خوی و جسم و جان به تو ببخشم:

«لِأَهَبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا» (مریم / ۱۹)

از شنیدن این سخن لرزش شدیدی وجود مریم (سلام الله علیها) را فرا گرفت و بار دیگر او در نگرانی عمیقی فرو رفت و گفت: چگونه ممکن است من صاحب پسری شوم، در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته و هرگز زن آلوده‌ای نبودم!



«قَالَتْ أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشْرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا» (مریم / ۲۰)

او در این حال به اسباب عادی می‌اندیشید و فکر می‌کرد برای این که صاحب فرزند شود، دو راه بیشتر ندارد: یا ازدواج و انتخاب همسر یا آلودگی و انحراف. من که خود را بهتر از هر کس می‌شناسم؛ نه تاکنون همسری انتخاب کرده‌ام و نه هرگز منحرف بوده‌ام. تاکنون هرگز شنیده نشده است کسی بدون این دو صاحب فرزندی شود!

لازم به ذکر است که این قسمت، تفاوت آشکار قرآن کریم با اناجیل را نشان می‌دهد؛ در آنجا ادعا می‌شد که مریم(سلام الله علیها) نامزدی به نام یوسف نجار داشته است که آیات قرآن اشاره دارد که مریم(سلام الله علیها) هرگز با مردی ارتباط نداشته است.

اما به زودی طوفان این نگرانی مجدد با شنیدن سخن دیگری از پیک پروردگار، فرونشست. او با صراحت به مریم(سلام الله علیها) گفت: مطلب همین است که پروردگارت فرموده، این کار بر من سهل و آسان است:

«قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبِّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ»

تو که خوب از قدرت من آگاهی، تو که میوه‌های بهشتی را در فصلی که در دنیا شبیه آن وجود نداشت، در کنار محراب عبادت خویش دیده‌ای، تو که آوای فرشتگان را که شهادت به پاکی‌ات می‌دادند شنیده‌ای، تو که می‌دانی جدت آدم از خاک آفریده شده، این چه تعجب است که از این خبر داری؟! سپس افزود ما می‌خواهیم او را آیه و اعجازی برای مردم قرار دهیم: «وَلَنَجْعَلَنَّ آيَةً لِلنَّاسِ» و ما می‌خواهیم او را رحمتی از سوی خود برای

بندگان بنماییم: (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹) «وَرَحْمَةً مِنَّا»

سرانجام مریم(سلام الله علیها) باردار شد و آن فرزند موعود در رحم او جای گرفت «فَحَمَلَتْهُ» این امر سبب شد که او از بیت المقدس به مکان دور دستی برود. «فَأَنْبَذَتْ بِهِ



مَكَانًا قَصِيًّا»

او در این حالت در میان یک بیم و امید، یک حالت نگرانی توأم با سرور به سر می‌برد. گاهی به این می‌اندیشید که این حمل سرانجام فاش خواهد شد؛ گیرم چند روز یا چند ماهی از آن‌ها که مرا می‌شناسند، دور بمانم و در این نقطه به صورت ناشناس زندگی کنم، آخر چه خواهد شد؟ چه کسی از من قبول می‌کند زنی بدون داشتن همسر باردار شود، مگر این که آلوده دامان باشد؛ من با این اتهام چه کنم؟

و به راستی برای دختری که سال‌ها سنبل پاکی و عفت و تقوا و پرهیزگاری و نمونه‌ای در عبادت و بندگی خدا بوده، زاهدان و عابدان بنی اسرائیل به کفالت او از طفولیت افتخار می‌کردند و زیر نظر پیامبر بزرگی پرورش یافته و خلاصه سجایای اخلاقی و آوازه‌ی قداست او همه جا پیچیده است، بسیار دردناک است یک روز احساس کند، همه این سرمایه معنوی اش به خطر افتاده است و در گرداب اتهامی قرار گرفته که بدترین اتهامات محسوب می‌شود و این سومین لرزه‌ای بود که بر پیکر او افتاد.

اما از سوی دیگر احساس می‌کرد که این فرزند، پیامبر موعود الهی است. یک تحفه بزرگ آسمانی می‌باشد. خداوندی که مرا به چنین فرزندی بشارت داده و با چنین کیفیت معجزه آسایی او را آفریده، چگونه تنه‌ایم خواهد گذاشت؟ آیا ممکن است در برابر چنین اتهامی از من دفاع نکند؟ من که همیشه لطف او را آزموده‌ام و دست رحمتش را بر سر خود دیده‌ام.

هر چه بود، دوران حمل پایان گرفت و لحظات طوفانی زندگی مریم (سلام الله علیها) شروع شد. درد سخت زاییدن به او دست داد؛ آن چنان که او را از آبادی به بیابان کشاند. بیابانی خالی از انسان‌ها و خشک و بی‌آب و بی‌پناه! زنان در این حالت به دوستان و آشنایان خود پناه می‌برند تا برای تولد فرزند به آن‌ها کمک کنند ولی چون وضع مریم (سلام الله علیها)



یک وضع استثنایی بود و هرگز نمی خواست کسی وضع حمل او را ببیند، با آغاز درد زایمان راه بیابان را در پیش گرفت. قرآن در این زمینه می فرماید:

«فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ»

تعبیر به جزع النخله، اشاره دارد به این که درخت خشکیده‌ای بود.

در این حالت، طوفانی از غم و اندوه، سراسر وجود پاک مریم (سلام الله علیها) را فرا گرفت. احساس کرد لحظه‌ای را که از آن می ترسید، فرا رسیده است، لحظه‌ای که هر چه پنهان است، در آن آشکار شود و رگبار تیرهای تهمت مردم بی ایمان متوجه او خواهد شد. به قدری این طوفان سخت بود و این بار بر دوشش سنگینی می کرد که بی اختیار گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی فراموش می شدم:

«قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا» (مریم / ۲۳)

بدیهی است تنها ترس تهمت‌های آینده نبود که قلب مریم (سلام الله علیها) را می فشرد؛ هر چند مشغله فکری مریم (سلام الله علیها) بیش از همه همین موضوع بود. ولی مشکلات و مصائب دیگر مانند وضع حمل بدون قابله و دوست و یاور، در بیابانی تنهای تنها، نبودن محلی برای استراحت، آبی برای نوشیدن و غذایی برای خوردن، وسیله‌ای برای نگهداری مولود جدید، این‌ها اموری بود که سخت او را تکان داد و آن‌ها که می گویند چگونه مریم (سلام الله علیها) با ایمان و دارای شناخت توحیدی که آن همه لطف و احسان الهی را نادیده گرفته بود، چنین جمله‌ای را بر زبان راند:

«ای کاش مرده بودم و فراموش شده بودم.»

هرگز ترسیمی از حال مریم (سلام الله علیها) در آن ساعت در ذهن خود نکرده‌اند و اگر خود به جزء کوچکی از این مشکلات گرفتار شوند، چنان دست پاچه می شوند که خود را

نیز فراموش خواهند کرد. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۱)



اما این حالت زیاد به طول نینجامید و همان نقطه روشن امید که همواره در اعماق قلبش وجود داشت، درخشیدن گرفت. ناگهان صدایی به گوش رسید که از طرف پایین پا بلند است و آشکار می گوید غمگین نباش و درست بنگر؛ پروردگارت از پایین پای تو، چشمه‌ی آب گوارایی را جاری ساخته است:

«فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا» (مریم/ ۲۴)

و نظری به بالای سرت بیفکن؛ بنگر چگونه ساقه خشکیده به درخت نخل باروری تبدیل شده که میوه‌ها، شاخه‌هایش را زینت بخشیده‌اند. تکانی به این درخت بده تا رطب تازه بر تو فرو ریزد:

«وَهَزِي إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا» (مریم/ ۲۴)

و از این غذای لذیذ و نیروبخش بخور و از آن آب گوارا بنوش «فَكُلِي وَاشْرَبِي» و چشمت را به این مولود جدید روشن دار «وَوَقِّرِي عَيْنًا» و اگر از آینده نگرانی، آسوده خاطر باش. هرگاه بشری دیدی و از تو در این زمینه توضیح خواست، با اشاره بگو من برای خدای رحمان روزه گرفته‌ام؛ روزه سکوت و به همین دلیل امروز با احدی سخن نمی‌گویم: (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۲)

«فَأَمَّا تَرِينَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا» (مریم/ ۲۶)

خلاصه نیازی نیست که تو از خود دفاع کنی، آن کس که این مولود را به تو داده، وظیفه دفاع را هم نیز به خود او سپرده است؛ بنابراین از هر نظر آسوده خاطر باش و غم و اندوه به خاطر راه نده. این حوادث پی‌درپی که همچون جرقه‌های روشنی در یک فضای فوق‌العاده تاریک و ظلمانی درخشیدن گرفت، سراسر قلب او را روشن کرد و حالت آرامش



گوارایی به او دست داد.

ظاهراً آیات فوق نشان می‌دهد که مریم(سلام الله علیها) به خاطر مصلحتی مأمور به سکوت بود و به فرمان خدا از سخن گفتن در این مدت خاص خودداری می‌کرد تا نوزادش عیسی (علیه السلام) لب به سخن بگشاید و از پاکی او دفاع کند که این از هر جهت مؤثرتر و گیراتر بود. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۳)

سرانجام مریم(سلام الله علیها) در حالیکه کودکش را در آغوش داشت، از بیابان به آبادی بازگشت و به سراغ بستگان و اقوام خود آمد:

«فَأَتَتْ بِهٖ قَوْمَهَا تَحْمِلُهَا» (مریم / ۲۷)

هنگامی که آن‌ها کودکی نوزاد را در آغوش او دیدند، دهانشان از تعجب بازماند. آن‌ها که سابقه پاک دامنی مریم(سلام الله علیها) را می‌دانستند و آوازه تقوا و کرامت او را شنیده بودند، سخت نگران شدند تا آنجا که بعضی به شک و تردید افتادند و بعضی دیگر هم که در قضاوت و داوری عجول بودند، زبان به ملامت و سرزنش او گشودند و گفتند: حیف از آن سابقه درخشان با این آلودگی و صد حیف از آن دودمان پاکی که این‌گونه بدنام شد.

گفتند: ای مریم! تو مسلماً کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی «قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا» (مریم / ۲۷) بعضی به او رو کردند و گفتند: این خواهر هارون! پدر تو آدم بدی نبود، مادرت نیز هرگز آلودگی نداشت «يَا أُخْتِ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا» (مریم / ۲۸) و با وجود چنین پدر و مادر پاکی، این چه وصفی است که در تو می‌بینیم؟ چه بدی در طریقه پدر و روش مادر دیدی که از آن روی برگرداندی؟

این که آن‌ها به مریم(سلام الله علیها) گفتند خواهر هارون، موجب تفسیرهای مختلفی در میان مفسران شده است؛ اما آنچه صحیح‌تر به نظر می‌رسد، این است که هارون مرد پاک و



صالحی بود، آن چنان که در میان بنی اسرائیل ضرب المثل شده بود؛ هر کسی را می خواستند به پاکی معرفی کنند، می گفتند: او برادر یا خواهر هارون است.

در این هنگام مریم (سلام الله علیها) به فرمان خدا سکوت کرد، تنها کاری که انجام داد این بود که اشاره به نوزادش عیسی (علیه السلام) کرد:

«فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ» اما این کار بیشتر تعجب آن ها را برانگیخت و شاید جمعی آن را حمل بر سخره کردند و خشمناک شدند و گفتند: مریم با چنین کاری که انجام داده ای، قوم خود را مسخره نیز می کنی؟

به هر حال به او گفتند ما چگونه با کودکی که در گهواره است، سخن بگوییم؟ «قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا» (مریم / ۲۹)

البته عده ای بحث می کنند و می فرمایند که عیسی (علیه السلام) هنوز به گهواره نرسیده بود بلکه ظاهر آیات این است به محض ورود مریم (سلام الله علیها) در میان جمعیت، در حالی که عیسی (علیه السلام) در آغوشش بود، این سخن میان او و مردم رد و بدل شد.

البته مهد به معنای دامن مادر و محل آرمیدن فرزند هم اطلاق می شود. جمعیت از شنیدن این گفتار مریم (سلام الله علیها) نگران و حتی عصبانی شدند؛ آن چنان که طبق بعضی از روایات به یکدیگر گفتند: مسخره و استهزاء او از انحرافش از جاده عفت، بر ما سخت تر و سنگین تر است. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۳)

ولی این حالت چندان به طول نیانجامید؛ چرا که آن کودک نوزاد زبان به سخن گشود و گفت: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ...» (مریم / ۳۰) او کتاب آسمانی به من مرحمت کرده است: «آتَانِي

الكِتَابَ» (مریم / ۳۰) و مرا پیامبر قرار داده است: «وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم / ۳۰) و خداوند مرا

وجودی پر برکت، وجودی مفید از هر نظر برای بندگان در هر جا که باشم، قرار داده است:



«وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» (مریم / ۳۱)

و مرا نیکوکار و قدردان و خیرخواه، نسبت به مادرم قرار داده است: «وَبَرًّا

بِوَالِدَتِي» (مریم / ۳۲)

همچنین در آیات سوره مائده، درباره حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید:

«...وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ...» (مائده / ۷۵) مسیح پسر مریم، فرستاده ای بیش نیست که پیش از او

نیز پیامبرانی بودند و مادرش بسیار راستگو و درستکار بود. آن دو همچون سایر انسان ها غذا

می خوردند، پس هیچ کدام خدا نیستند. (قرآنی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۳۴۸)

در این جا نقض می کند گفتار اناجیل را که برای حضرت مریم (سلام الله علیها) صفت

الوهیت قائل اند و قرآن بهترین گفتار است.

از این آیات نتیجه می گیریم که قرآن کریم، مریم (سلام الله علیها) را بانوی برگزیده ی خدا

بانوی پاک و مطهر، بهترین زنان عصر خود، مظهر عفاف، الگوی مؤمنان، دختری عابد،

بسیار راستگو (صدیقه) و هم سخن فرشتگان (محدثه) معرفی کرده است. (مکارم شیرازی،

حضرت مریم در منابع اسلامی)

خداوند در سوره آل عمران می فرماید:

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ

الْعَالَمِينَ» (آل عمران / ۴۲)

گفتگوی فرشتگان با مریم (سلام الله علیها)، هنگامی را که فرشتگان گفتند:

ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان عالم برتری داده است. چه

افتخاری از این برتر که انسانی با فرشتگان هم سخن شود. آن هم سخنی که بشارت

برگزیدگی او از سوی خدا و طهارت و برتری او بر تمام زنان جهان باشد و این نبود جز در



سایه تقوا و پرهیزگاری و ایمان و عبادت او؛ آری او برگزیده شد تا پیامبری همچون عیسی را به دنیا آورد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۴۲)

جالب توجه این که جمله‌ی «اصْطَفَاکِ» که در آیه تکرار شده یک بار برای بیان برگزیدگی او به طور مطلق و بار دوم برای برگزیدگی او نسبت به تمام زنان جهان در آن زمان است. مریم (سلام الله علیها) بانوی زنان زمان خود بود، اما فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بانوی همه بانوان جهان از اولین تا آخرین است) در آیه بعد از سخن از خطاب دیگری از فرشتگان به مریم (سلام الله علیها) است؛ می‌گویند:

«ای مریم! به شکرانه این نعمت‌های بزرگ که از سوی خداوند برگزیده شده‌ای و بر زنان جهان عصر خود برتری یافته‌ای و از هر نظر پاک و پاکیزه شده‌ای، برای پروردگارت سجده کن و همراه رکوع کنندگان رکوع نما.»

در این جا سه دستور از طرف فرشتگان به مریم (سلام الله علیها) داده شده است: نخست قنوت در برابر پروردگار است به معنی خضوع و دوام اطاعت است. دوم سجود است که آن نیز نوعی از خضوع کامل در برابر پروردگار است. سوم رکوع که آن هم نوع دیگری از خضوع و تواضع می‌باشد.

در آیات ۴۵ و ۴۶ سوره‌ی آل عمران بشارت تولد حضرت مسیح (علیه السلام) آمده است:

«إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ * وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ»

(تحریم/ ۱۲)

به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای (وجود با عظمتی) از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش مسیح عیسی پسر مریم است. در حالی که در این جهان و جهان دیگر صاحب شخصیت خواهد بود و از مقربان الهی است و با



مردم، در گهواره و در حالت کهولت (میان سال شدن) سخن خواهد گفت و از شایستگان است.

در این جا منظور این است آن گونه در گهواره سخن می گفت که در موقع رسیدن به کمال عمر، سخنانی سنجیده و پرمحتوا و حساب شده می گویند نه سخنانی کودکانه. به تفسیر مشابه این آیات در آیات سوره مریم اشاره شد؛ و برای تایید آنچه گذشت به آیه سوره تحریم هم اشاره می کنیم:

«وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتَ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانٌ مِمَّنْ لَقَاتَيْنَا»

مریم دختر عمران را که دامن خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم و او به فرمان خدا بدون داشتن همسر، فرزندی آورد که پیامبر اولوالعزم پروردگار شد. او سخنان پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرد و به همه آن ها ایمان آورد و او از مطیعان فرمان خدا بود.

مریم (سلام الله علیها) از نظر ایمان در سر حد اعلا قرار داشت و به مقام کتب آسمانی و اوامر الهی مؤمن و از نظر عمل پیوسته مطیع اوامر الهی بود و بنده ای بود جان و دل بر کف و چشم بر امر و گوش بر فرمان داشت.

به هر حال قرآن با این تعبیرات، دامن مریم (سلام الله علیها) را از سخنان ناروایی که جمعی از یهودیان آلوده و جنایتکار درباره او می گفتند و شخصیت و حتی پاک دامنی او را زیر سؤال می بردند، پاک می شمرد و مشت محکمی بر دهان بدگویان می کوبد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۰۶)



نتیجه بحث

تاریخ زندگی حضرت مریم(سلام الله علیها) به خوبی روشن نیست و نمی توان درباره جزئیات زندگی او نظری داد. به تصریح کتاب مقدس، حضرت مریم(سلام الله علیها) تا مدت ها پس از مرگ عیسی(علیه السلام) زنده و شاهد به صلیب کشیدن فرزند بوده است. (انجیل یوحنا، ۱۹:۲۵) ولی در منابع اسلامی برخلاف کلمات کتاب مقدس، حضرت مریم(سلام الله علیها) در زمان حیات عیسی(علیه السلام) از دنیا رفته و حضرت عیسی(علیه السلام) او را غسل داده است. (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۶) و مرقد مریم در بیت المقدس است. (یعقوبی، البلدان، ص ۱۶۴)

درباره سن وفات حضرت مریم(سلام الله علیها) اختلاف نظر وجود دارد که برخی سن وفات او را ۵۱ سالگی (ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۳۰۷) و برخی نیز ۶۳ سالگی نوشته اند؛ اما درباره چگونگی وفات وی نقل صحیحی وارد نشده است. (سپهر، ناسخ التواریخ، جلد حضرت عیسی، ص ۱۱۳)

در جایی آمده است که حضرت مریم(سلام الله علیها) روزی که به صحرا رفته بود، در دامنه کوهی خسته شد و خوابید و از دنیا رفت. خداوند حوریان بهشتی را فرستاد تا او را غسل دادند و پارچه سفیدی رویش انداختند. عیسی(علیه السلام) به سراغ مادر رفت و دید خوابیده و پارچه سفیدی روی او کشیده شده، دلش نیامد مادر را بیدار کند.

تا مدتی اطراف او راه می رفت. چون وقت نماز و افطار مادر شد و از وقت گذشت، آهسته آهسته او را صدا زد و جواب نشنید، نزدیک رفت و بلندتر صدا کرد، جواب نشنید تا پارچه را عقب زد، دید مادرش از دنیا رفته، با دل سوخته و دیده گریان مادر را برداشت و برد در بیت المقدس به خاک سپرد.



در حالی که بخشی از این نقل با حدیثی که تصریح دارد حضرت عیسی (علیه السلام) مادرش را غسل داد، منافات دارد. (عماد زاده، تاریخ انبیاء از آدم (علیه السلام) تا خاتم و قصص قرآن)



فهرست منابع و مآخذ

*قرآن کریم.

* انجیل یوقا، لوقس، یوحنا.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.

۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، تحقیق محمد ابراهیم آیتی، بیروت، دار الکتب العلمیه،

۱۴۲۲ق.

۳. برزنجی، جعفر بن حسن، مولد برزنجی، بی جا، ایلاف، ۱۳۹۸.

۴. سرگذشت عیسی مسیح نوشته لوقا.

۵. سرگذشت عیسی مسیح نوشته متی.

۶. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، موسسه سبطین، ۱۳۸۶.

۷. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دار الکتاب، ۱۳۶۳.

۸. عماد زاده، حسین، تاریخ انبیاء از آدم (علیه السلام) تا خاتم و قصص قرآن، بی جا، نشر اسلام،

۱۳۸۸.



۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، در راه حق، ۱۳۷۴.
۱۰. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب اسلامیة، ۱۳۷۱.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب اسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۳. معلمی، محبوبه، سیمای مسیح، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۱۴. مقاله مریم مقدس یا مریم عزرا.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب اسلامیة، ۱۳۸۰، ج ۲ و ۳.
۱۶. (...)، (...)، حضرت مریم در منابع اسلامی.
۱۷. موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۸. مونتگمری وات، ویلیام، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ترجمه محمدحسین آریا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۱۹. سیهر، محمدتقی بن محمدعلی، ناسخ التواریخ، جلد حضرت عیسی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.

